رابطه هوش اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر با نگرش به رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج (مطالعه موردی دانش آموزان دبیرستانی شهر مشهد)

معصومه عیلامی[1]

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه هوش اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر با نگرش به رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج است. نوع پژوهش، پیمایشی است. در این پژوهش ۳۸۴ دانش آموز دختر و پسر دبیرستانی ۱۹-۱۵ ساله شهر مشهد به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده اند و به مقیاس هوش اخلاقی لنیک و کیل(۲۰۰۵) و نگرش و گرایش به ارتباط قبل از ازدواج با جنس مخالف(شفیع آبادی و شریفی) پاسخ داده اند. سپس داده‌های گردآوری شده، با آزمونهای آماری پیرسون و آزمون T مستقل مورد بررسی قرار گرفته اند. میانگین نمره هوش اخلاقی و نگرش به رابطه با جنس مخالف افراد نمونه به ترتیب ۳/۵ و ۲/۵ بوده است. ۴۶ درصد افراد نمونه دارای رابطه و ۵۴ درصد بدون رابطه بوده اند که پسرها با ۵۸ درصد نسبت به دخترها با ۳۴ درصد دارای رابطه بیشتری باجنس مخالف هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان هوش اخلاقی دانش‌آموزان با نگرش به ارتباط با جنس مخالف در قبل از ازدواج رابطه ای معنادار و معکوس داشته‌است. به عبارت دیگر هرچه میزان هوش اخلاقی دانش آموزان بیشتر باشد میزان نگرش به ارتباط با جنس مخالف کمتر است. همچنین میانگین نگرش به رابطه با جنس مخالف دانش‌آموزان دختر و پسر با هم متفاوت است به طوری‌که میانگین نگرش دانش آموزان پسر به داشتن رابطه با جنس مخالف بیشتر از دختران است. اما هوش اخلاقی و جنسیت رابطه ای معنادار با هم ندارند و دختران و پسران از هوش اخلاقی مشابه برخوردارند.

کلیدواژگان: هوش اخلاقی، دانش آموزان، نگرش، رابطه با جنس مخالف

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲

۱. استادیار دانشگاه پیام نور خواف m_ilami@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

مقدمه

دوستیهای دوران کودکی با کیفیت و با اهمیت بیش‌تر در دورهٔ نوجوانی ادامه می‌یابند. در نوجوانی علاوه بر گرایش به دوستی با همسالان، تمایل به برقراری ارتباط با غیر همجنس نیز مشاهده می‌شود؛ ارتباطی نسبتاً صمیمانه که غالباً به صورت پنهانی و دور از چشم بزرگترهاست و ممکن است به صورت حضوری، تلفنی، نامه‌ای یا حتی جنسی باشد. از آنجا که این گونه روابط با موازین شرعی و ارزشهای اخلاقی جامعه ما مغایرت دارد، به منزلهٔ یک مشکل و مسئله رفتاری مطرح و بررسی می‌شود.

دوستی و روابط دختران و پسران در ایران موضوعی است که جمعیت درگیر آن را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند. با توجه به جمعیت جوان کشورمان(حدود ۱۸ میلیون نوجوان) توجه به مسائل این قشر از جامعه ضروری به نظرمی‌رسد. دوستی با جنس مخالف به منزلهٔ یک نیاز برای نوجوانان مطرح است. در جوامع غربی روابط با جنس مخالف، مشکل به شمار نمی آید. سه چهارم نوجوانان در آمریکا معتقدند اگر دونفر همدیگر را دوست داشته‌باشند، داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج عیبی ندارد. در ایران طبق چندین تحقیق به عمل آمده مشخص شده‌است که حدود ۳۰ تا ۷۰ درصد نوجوانان به نوعی با این مسئله درگیرند. در یک تحقیق گسترده که روی ۷۵ هزار جوان و نوجوان ۱۴ تا ۱۹ ساله در سراسر کشور انجام‌شده، ۴۵ درصد از نمونه‌ها اظهار کرده اند که مسائل جنسی فکرشان را آزار می‌دهد و ۳۵ درصد بیان کرده اند که به سبب مسائل جنسی گاهی به دردسر افتاده‌اند. اما از آنجا که در جامعه اسلامی این امر به راحتی پذیرفته نمی‌شود، سبب ایجاد تعارض می‌شود که می‌تواند به پنهانی شدن روابط، اضطراب، افسردگی، درگیری خانوادگی و خطرات دیگر بینجامد(میرباقری، ۱۳۸۴).

پژوهشهای داخلی نشان می‌دهند که اهداف جنسی احساسی، بیشترین سهم را در تبیین رابطهٔ پسر و دختر دارند و اهداف عقلانی نقشی کمرنگ در تبیین روابط دختر و پسردارند (خواجه‌نوری و دل‌آور، ۱۳۹۱؛ دل‌آور و احمدی، ۱۳۹۱؛ یعقوب‌خوانی و فتحی اقدم، ۱۳۹۱؛ حامدی، ۱۳۹۱؛ رجبلو و اصغری،۱۳۸۹).

پژوهشهای متعدد نشان می‌دهند که روابط جنسی پیش از ازدواج، سلامت نوجوانان و جوانان را به مخاطره می‌اندازند (بس و باسل[1]، ۲۰۱۳). مطالعه مرکز ملی بهداشت با نمونهٔ ۶۵۰۰ نوجوان مدارس راهنمایی و دبیرستانهای سراسر ایالات متحده نشان می‌دهد که رابطهٔ جنسی پیش از ازدواج

1. Basel

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

نقشی مهم در ایجاد افسردگی و اقدام به خودکشی در نوجوانان آمریکایی ایفا می‌کند (رکتور[1] و همکاران، ۲۰۰۳). سابیا[2] و ریس[3] (۲۰۰۹ و ۲۰۱۱) نشان داده اند که پرهیز از روابط جنسی قبل از ازدواج تأثیری قابل توجه در موفقیت تحصیلی و فارغ‌التحصیل شدن دختران دارد(رگنروس و یوکر، ۲۰۱۱؛ به نقل از زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۴).

پژوهشگران عوارض احساسی برقراری روابط با جنس مخالف را بسیار آسیب‌زا توصیف کرده‌اند. از جمله این عوارض احساس گناه، پشیمانی، نفرت از خود، نشخوار فکری، کاهش اعتماد به نفس، احساس سوء استفاده شدن از سوی دیگری، احساس‌کم ارزشی و تحقیر، ناراحتی و احساس گناه از دروغ گفتن یا پنهان کردن روابط جنسی از خانواده، اختلالات هیجانی و عاطفی، برداشت منفی از ظاهر خود، تحریف هویت، ضعف در شکل‌گیری هویت دینی و هدفمندی زندگی، افت تحصیلی، افزایش خشونت، ابتلا به بیماریهای مقاربتی مانند ایدز، وادارشدن به ازدواجهای زود هنگام، درگیریهای خانوادگی، بی‌علاقگی به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج، سردرگمی در تعاملات جنسی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف است (رجبلو و اصغری، ۱۳۸۹؛ گلزاری،۱۳۸۴؛ آزاد ارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰؛ موسوی، ۱۳۹۱؛ زارعی‌توپخانه و همکاران، ۱۳۹۴).

بسیاری از رفتارها و اقدامهای افراد، متأثر از ارزشهای اخلاقی است و ریشه در اخلاق دارد. بنابراین، عدم توجه به اخلاق در افراد و ضعف در رعایت اصول اخلاقی می‌تواند مشکلات بسیار ایجاد کند و مشروعیت و اقدامات آنها را زیر سؤال ببرد. به این ترتیب اگر افراد جامعه از هنجارها و ارزشها (اخلاقیات) تبعیت نکنند، رفتارشان برای جامعه مشکل آفرین خواهد بود و بدین گونه مسئله‌ای اجتماعی بروز خواهد کرد. نتایج تحقیقات نشان داده است که توانایی اخلاقی، در ارتباط با توانایی ذهنی، نقشی مؤثر در روابط با دیگران، موفقیت، کار و... دارد(گلمن، ترجمه پارسا، ۱۳۸۰).

اگر"هوش" را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، آنگاه" اخلاق"، ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد. از این رو "هوش اخلاقی[4]" در کنار

1. Rector
2. Sabia
3. Rees
4. Moral intelligence

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

هوش عقلانی می‌تواند ژرفای توانمندیهای فکری و عاطفی فرد را در ابعاد زندگی وی نمایان سازد و نیک اندیشی و نیک خویی را در او پدید آورد (بوربا،[1] ۲۰۰۵؛ ترجمه کاوسی، ۱۳۹۰).

نخستین بار اصطلاح هوش اخلاقی را بوربا (۲۰۰۵) به مقولهٔ روان شناسی وارد کرد. وی هوش اخلاقی را "ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست" تعریف کرده است(بوربا، ۲۰۰۱). هوش اخلاقی به معنای توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است (ترنر و همکاران[2]، ۲۰۰۲).

پژوهشها نشان داده‌اند کسانی که به هر دلیل هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این افراد به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشد نیافتگی، حساسیتهای اخلاقی و باورهایی که نادرست هدایت شده اند، تا حد زیادی به عقب افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیتهای نابهنجار تبدیل می‌شوند(کیاکمال، ۱۳۹۰).

از این رو وظایف مراکز آموزشی، ترویج ارزشهای اخلاقی میان افراد است تا زمینهٔ لازم برای رشد همه جانبه شخصیتی، عاطفی، رفتاری و فکری آنان فراهم شود. کسب ارزشهایی مانند راستگویی و بیان حقیقت، حمایت از عدالت، مسئولیت پذیری، احترام به انسانها و اعتمادکردن منجر به پیامدهای مثبت اخلاقی در میان دانش‌آموزان خواهد شد(لنیک و کیل[3]، ۲۰۰۵).

بوربا هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی تشخیص درست از خطا، به معنای داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار به شیوه درست و پسندیده تعریف می‌کند. وی به هفت فضیلت اساسی توجه کرده و برای آموزش این فضیلتهای اساسی برای انجام آنچه درست است و استقامت در برابر هر فشار که ممکن است رفتارها وعادتهای درست آنها را به مبارزه بطلبد، مراحلی را نیز در نظر گرفته است. همدلی: شناسایی احساسات انسانها. وجدان: دانستن راه صحیح و درست و عمل به آن. خود-کنترلی: تنظیم تفکرات و اعمال خود. احترام گذاشتن: ارزش قائل شدن برای دیگران با رفتار مؤدبانه و با ملاحظه به آنان. مهربانی: توجه به نیازها و احساسات دیگران. بردباری و تحمل: احترام گذاشتن به شأن و حقوق همه افراد حتی افرادی که عقاید و رفتارشان مخالف با ماست. بی طرفی (انصاف): انتخابهای عاقلانه و عمل به شیوه منصفانه است (بوربا، ۲۰۰۲).

1. Borba
2. Turner et al.
3. Lennick & Kiel

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

هوش اخلاقی را بیانگر ژرف ارزشهایی می‌دانند که همهٔ افکار و فعالیتهای فرد را هدایت می-کند. افراد با هوش اخلاقی بالا، فعالانه با مشکلات مقابله می‌کنند و از سلامت و رضایت بیشتر برخوردارند. این نوع هوش به مثابه نوعی جهت‌یاب برای اقدام به عمل درست و توانایی کاربرد اصول اخلاق جهانی در تعامل با دیگران است. لنیک و کیل این نوع هوش را نشان دهنده ظرفیت ذهنی فرد برای ارتباط دادن اصول جهان شمول انسانی به ارزشها، اهداف و اقدامات خود می‌دانند (لنیک و کیل،۱۳۸۸).

عناصر هوش اخلاقی

اصول هوش اخلاقی از دیدگاه بوربا به این شرح است: ۱. همدردی ۲. هوشیاری ۳. خود-کنترلی ۴. توجه و احترام ۵. مهربانی ۶. صبر و بردباری ۷. انصاف (بوربا، ۱۳۹۰).

اصول هوش اخلاقی از نظر لنیک و کیل عبارت اند از:

۱. درستکاری: یعنی ایجاد هماهنگی میان آنچه به آن معتقدیم و آنچه به آن عمل می‌کنیم.

۲. مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن، اشتباهات و شکستهای خود را نیز می‌پذیرد.

۳. دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز موقع نیاز با ما همدردی می‌کنند.

۴. بخشش: آگاهی از کاستیها و اشتباهات خود و دیگران و بخشیدن خود و دیگران (لنیک و کیل، ۲۰۰۵).

عناصر هوش اخلاقی از نظر ازبورن[1] عبارت اند از: الف) درستکاری: انجام آنچه درست است، برای خود و دیگران، ب) مسئولیت پذیری: پاسخگو بودن در برابر اعمال و پیامدهای ناشی از آن، ج) دلسوزی: توجه به دیگران و ایجاد جوی که در آن مردم به کسانی که در اطراف آنها هستند مانند مشتریان و همکاران توجه کنند. د) گذشت: تحمل اشتباهات و کاستیها در خود و دیگران که این به معنای کاهش استانداردهای اخلاقی نیست(آزبورن، ۲۰۱۱). در مدل دیگری هفت ویژگی اصلی از موجودیت خود مسئله اخلاق وجود دارد. این مسائل با توافق و هماهنگی با سطح هوش اخلاقی خود فرد قابل بسط است. این ویژگیها عبارت اند از: کنترل مهارکننده، همدلی، پایداری و ثبات، انصاف، مسئولیت پذیری، همکاری و منطق(رحیمی، ۲۰۱۱).

1. Osborn

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

فواید هوش اخلاقی فقط برای رهبری اثربخش اهمیت ندارد. هوش اخلاقی،" هوش حیاتی " برای همه انسانهاست زیرا هوش اخلاقی، اشکال دیگرهوش را به انجام دادن کارهای ارزشمند هدایت می‌کند. هوش اخلاقی به زندگی ما هدف می‌دهد. بدون هوش اخلاقی، ممکن است کارهایمان را انجام بدهیم و از تجربه‌هایمان بهره بگیریم، اما آنها فاقد معنا هستند. بدون هوش اخلاقی ما نمی‌دانیم آنچه را انجام می‌دهیم چرا انجام می‌دهیم یا حتی چه چیزهایی وجود ما را در نظام خلقت از برخی مسائل متفاوت می‌سازد. هوش اخلاقی رفتار مناسب را تقویت می‌کند و مکان پایداری زندگی اجتماعی را در طول زمان فراهم می‌سازد و تا حدی شانس بقا را افزایش می‌دهد. بدون هوش اخلاقی، زندگی اجتماعی دوام نمی‌یابد و بقای آن در معرض خطر است (نورسیا[1]، ۲۰۱۰).

هوش اخلاقی نشان دهنده این واقعیت است که ما اخلاقی یا غیر اخلاقی به دنیا نمی‌آییم بلکه باید یاد بگیریم که چگونه خوب باشیم. هوش اخلاقی شامل ترکیبی از دانش، تمایل و اراده است. این هوش شامل روشی است که ما فکر می‌کنیم، احساس می‌کنیم و عمل می‌کنیم (کلارکن[2]، ۲۰۱۰) .

نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف نوعی آمادگی روانی و ذهنی است که از طریق تجربه فرد شکل می‌گیرد و در پاسخ به موقعیتها و موضوعات کاربرد دارد(آلپورت[3] و جونز، ۱۳۷۱). به عبارت دیگر داشتن احساسات عاشقانه و عاطفی نسبت به جنس مخالف، برقراری ارتباط و معاشرتهای حضوری، تلفنی، و... با جنس مخالف و شناخت و آگاهی از رابطه با جنس مخالف را در برمی‌گیرد(سیدان،۱۳۹۰).

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا افرادی که نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف دارند و افرادی که فاقد این نگرش هستند، در مؤلفه‌های هوش اخلاقی مانند عمل کردن مبتنی بر اصول ارزشها و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق تفاوتی نشان می‌دهند و آیا به راستی دارا بودن نگرش مثبت به ارتباط با جنس مخالف، در قالب دوستیهای رایج نشان دهندهٔ هوش اخلاقی پایین‌تر افراد است و افراد بدون این نگرش، هوش اخلاقی بالاتری دارند؟ در این پژوهش، منظور از نگرش به رابطه با جنس مخالف، آگاهی و شناخت و برقراری رابطه‌ای است که دو طرف با میل و رغبت، در یکی از مراتب صوتی، تصویری یا حضوری موافق ارتباط برقرار کردن باشند.

1. Norcia
2. Clarken
3. Alport

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

پیشینه پژوهش

از آنجا که در زمینهٔ موضوع مورد پژوهش ما تحقیقی انجام نشده، در این قسمت به مرور کارهای پژوهشی می‌پردازیم که با هر دو متغیر به صورت جداگانه کار شده است.

هوش اخلاقی

امینی و همکاران(۱۳۹۴) به بررسی هوش اخلاقی ۱۹۶ نفر از پرستاران بیمارستانهای شهر کاشان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای پرداخته اند. طبق یافته‌ها، سطح هوش اخلاقی پرستاران در سطحی مطلوب است و بالاتر از میانگین بوده‌است. یافته‌ها نشان می‌دهند که میان هوش اخلاقی پرستاران بر حسب جنسیت، میزان تحصیلات، سابقه خدمت و وضعیت استخدامی تفاوت معنادار وجود ندارد.

شاه‌آباد و رضایی(۱۳۹۴) به بررسی رابطه هوش اخلاقی مدیران با مدیریت خادمیت در مدارس شهرستان میاندوآب با تأکید بر جنسیت پرداخته‌اند. از مهم‌ترین نتایج تحقیق آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: میان هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن با خادمیت مدیران مدارس شهرستان میاندوآب رابطهٔ مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است که از میان چهار مؤلفه هوش اخلاقی، دلسوزی پیش بینی کننده ای معتبر برای خادمیت مدیران مدارس شهرستان میاندوآب است. نتایج به دست آمده از اجرای آزمون t مستقل نشان می‌دهد که میان میزان هوش اخلاقی و خادمیت مدیران مرد و زن مدارس شهرستان میاندوآب تفاوتی معنادار وجود ندارد.

اکبری و حسین زاده (۱۳۹۱) با هدف بررسی ارتباط اصول هوش اخلاقی با ابعاد مدیریت دانش در دبیرستانهای شهرستان ساوه نشان داده اند که در گروه مردان اصل مسئولیت پذیری با دو بعد اشتراک و به کارگیری دانش و همچنین اصل درستکاری با بعد به کارگیری دانش به طور مثبت و معناداری همبسته هستند. در گروه زنان همه اصول هوش اخلاقی با سه بعد ذخیره سازی، اشتراک و به کارگیری دانش به طور مثبت و معناداری همبسته هستند. اما رابطه اصول دلسوزی و درستکاری، با ابعاد مدیریت دانش معنادار نیست.

پژوهش عباسی اوغلی(۱۳۹۱) با عنوان" پیش بینی کارآفرینی مدیران بانک ملی ایران بر اساس ابعاد هوش اخلاقی آنها" نشان می‌دهد که میان میزان هوش اخلاقی مدیران و کارآفرینی آنان رابطه معنادار وجود دارد. ابعاد عمل مبتنی بر ارزشها، راستگویی، حق مداری، وفای به عهد،

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

مسئولیت‌پذیری، اقرار به اشتباهات، علاقه به دیگران، توانایی بخشش اشتباهات خود و دیگران، پیش بینی کننده ای مناسب برای کارآفرینی مدیران اند(به نقل از گودرزی و همکاران،۱۳۹۳).

پژوهش بهرامی و همکاران(۱۳۹۱) با عنوان بررسی سطح هوش اخلاقی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد نشان می‌دهد که سطح هوش اخلاقی و ابعاد زیر مجموعه آن در جامعه پژوهش دارای وضعیتی مطلوب است.

پژوهش الهیاری(۱۳۹۱) روی دانشجویان دانشگاه آزاد کرج نشان می‌دهد که رابطه میان هوش اخلاقی و شادکامی دانشجویان رشته‌های گوناگون مثبت و معنادار و رابطه هوش اخلاقی و خرده مقیاسهای آن در پیش ینی شادکامی، خطی و معنادار است. مؤلفه‌های راستگویی، ایستادگی به سبب حقیقت و اقرار به اشتباهات و شکستها، پیش بینی کننده ای مناسب برای تغییرات شادکامی بوده است. در میان مؤلفه‌ها، مؤلفه عمل مبتنی بر اصول، ارزشها و باورها، بیشترین رابطه را با شادکامی داشته است. همچنین متغیرهای رشته تحصیلی و جنس ارتباطی معنادار با هوش اخلاقی و شادکامی نداشته اند.

پژوهش اسماعیلی طرزی و همکاران(۱۳۹۲) با عنوان "رابطه هوش اخلاقی با میزان اعتماد آفرینی مدیران" نشان می‌دهد که هوش اخلاقی مدیران روی همهٔ مؤلفه‌های اعتمادآفرینی تأثیرگذار است. میان هوش اخلاقی مدیران با میزان انواع اعتماد راسخ، مبتنی بر صداقت، فراگیر، پایدار و اعتماد متقابل رابطه معنادار وجود دارد.

پژوهش آراسته و جاهد (۱۳۹۰) با هدف بررسی وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان، نشان می‌دهد که شایستگیهای اخلاقی دانشجویان در حد بالای متوسط بوده است. نتایج آزمون فریدمن نیز نشان می‌دهد میان مؤلفه‌های هوش اخلاقی تفاوت معنادار وجود دارد. آزمون همبستگی بر رابطه مثبت و معنادار متغیرهای سن، سطح تحصیلات و هوش اخلاقی دلالت داشته است.

نگرش به رابطه با جنس مخالف

زارعی‌توپخانه و همکاران(۱۳۹۴) به بررسی تفاوت ویژگیهای شخصیتی و امید در میان دانش‌آموزان دارای رابطه و بدون رابطه با جنس مخالف، روی ۳۱۶ دانش‌آموز دبیرستانهای رباط کریم به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی پرداخته اند. یافته‌ها حکایت از آن دارد که پسران بیش از دختران وارد ارتباط با جنس مخالف می‌شوند. همچنین ارتباط با جنس مخالف با افزایش ویژگیهای شخصیتی روان‌رنجوری، روان گسسته‌گرایی، برونگرایی و کاهش امید، همبسته است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

یافتهٔ دیگر اینکه شدت روان‌گسسته‌گرایی در افرادی که ارتباط جنسی را تجربه کرده‌اند، بیشتر است.

صادقی و همکاران(۱۳۹۱) به بررسی مقایسهٔ سبکهای دلبستگی و ابعاد دوست داشتن در نوجوانان دارای رابطه و بدون رابطه با جنس مخالف پرداخته اند. نتایج نشان می‌دهد که میان افراد دارای رابطه با جنس مخالف و فاقد رابطه از نظر سبکهای دلبستگی تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین میان افراد دارای رابطه با جنس مخالف و فاقد رابطه از نظر ابعاد دوست داشتن تفاوت معنادار وجود دارد. انواع گوناگون سبکهای دلبستگی نوع و مدت ثبات روابط دوست داشتنی را متمایز می‌کند و هر یک از اشکال دلبستگی با نحوه ارتباط فرد در آینده ارتباط خواهد داشت.

خوانساری و سلیمانی(۱۳۹۰) در پژوهش خود به چنین نتایجی اشاره کرده است: میان میانگین نمرات دو گروه (دارای رابطه و بدون رابطه دوستی) در متغیرهای حل مسئله، خود شکوفایی، واقع‌گرایی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، خود- ابرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت معنادار وجود دارد و در این موارد، تفاوت به نفع گروهی است که با جنس مخالف رابطه ندارند. در سایر متغیرها تفاوتی میان دو گروه وجود ندارد.

سیدان و نجفی نژاد(۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دختران ۱۸-۱۶ ساله دبیرستانهای منطقه ۱۳ تهران نسبت به روابط با جنس مخالف پرداخته اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۶ درصد دختران نگرش مثبتی به این‌گونه روابط داشته اند و از میان متغیرهای مستقل نگرش خانواده و دوستان، اعتقادات، ارزشها و پایبندی به دین(اعتقادات و اخلاقیات)، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی واجتماعی با نگرش دختران رابطهٔ معنادار داشته است.

پژوهش موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) در زمینه بررسی نگرش دختران نسبت به روابط میان شخصی با جنس مخالف نشان داده است که اولویتهای ارزشی، باورهای دینی و پایبندی به ارزشهای دینی، با نگرش دختران به روابط مذکور معنادار بوده‌است. فراهانی و شجاعی(۱۳۸۵) نیز بیان کرده اند که درصد قابل توجهی از جوانانی که نسبت به فرایض دینی اهتمام و پایبندی کمتر دارند، بیشتر با جنس مخالف ارتباط دارند.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، همه دانش آموزان دختر و پسر مجرد دوره متوسطه (۱۹-۱۵ ساله) شهر مشهد بوده است که از میان آنان به روش تصادفی، ۳۸۴ دانش آموز مجرد انتخاب شده اند که از این عده ۱۹۰ نفر دختر و ۱۹۴ نفر پسر بوده‌اند. نوع پژوهش توصیفی- تحلیلی و ابزار مورد

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

استفاده پرسشنامه هوش اخلاقی لنیک و کیل بوده که در سال ۲۰۰۵ تدوین شده است . این پرسشنامه در ایران توسط آراسته، عزیزی، شمامی، جعفری راد و محمدی جوزانی در سال ۱۳۹۰ هنجاریابی شده است(به نقل از امامی، مولوی و کلانتری، ۱۳۹۳). پرسشنامه هوش اخلاقی به منزلهٔ توانایی کاربرد اصول اخلاق جهانی در اخلاقیات، اهداف و مراودات یک فرد از روی قاعده، همچنین مقیاس بررسی نگرش و گرایش به داشتن ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج است. این پرسشنامه را شفیع آبادی و شریفی طراحی کرده اند که در طیف لیکرت طراحی‌می‌شود. این مقیاس به سنجش نگرش و میزان موافقت افراد برای ارتباطات خارج از چارچوب با دوستان غیرهمجنس می‌پردازد. اعتبار این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسط طراحان ۹ ٪ و توسط محقق ۸۷٪ گزارش شده و روایی محتوایی آن نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته‌است.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمونهای همبستگی پیرسون و تفاوت میانگینها استفاده شده‌است.

یافته‌ها

بر اساس نتایج جدول شماره ۱، میانگین نمره هوش اخلاقی و نگرش به رابطه با جنس مخالف افراد نمونه به ترتیب ۵۰۲ /۳ و ۲/۵۰۹ و واریانس این متغیرها به ترتیب ۰/۱۷۱۸ و ۰/۶۸۴۵ بوده است.

جدول۱. توصیف آماره‌های متغیر هوش اخلاقی و نگرش به رابطه با جنس مخالف

آماره	هوش اخلاقی	نگرش به رابطه با جنس مخالف
میانگین	۳/۵	۲/۵
واریانس	۰/۱۷۱۸	۰/۶۸۴۵
انحراف معیار	۰/۴۱۴۵	۰/۸۲۷۳

نتایج جدول شماره ۲ در زمینهٔ توصیف متغیر جنسیت و ارتباط با جنس مخالف نشان می‌دهد ۴۶ درصد دارای رابطه و ۵۴ درصد بدون رابطه اند که پسرها با ۵۸ درصد نسبت به دخترها با ۳۴ درصد دارای رابطه بیشتری هستند.

جدول۲. توصیف متغیر جنسیت و ارتباط با جنس مخالف دانش آموزان نمونه

آماره‌ها / گروه‌بندی	دختر		پسر		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دارای رابطه	۶۵	۳۴	۱۱۲	۵۸	۱۷۷	۴۶
بدون رابطه	۱۲۵	۶۶	۸۲	۴۲	۲۰۷	۵۴
کل	۱۹۰	۱۰۰	۱۹۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

فرضیه۱: به نظر می‌رسد میزان هوش اخلاقی دانش آموزان با نگرش به ارتباط با جنس مخالف در قبل از ازدواج رابطه داشته باشد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول شماره ۳ مقدار رابطه ۰/۳۵۳- و سطح معناداری ۰/۰۰ است. بنابراین، چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است، رابطه معنادار و فرضیه اثبات می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت با افزایش میزان هوش اخلاقی دانش‌آموزان نگرش به ارتباط با جنس مخالف در قبل از ازدواج کمتر و منفی‌تر می‌شود.

جدول۳. همبستگی میان هوش اخلاقی و میزان نگرش به رابطه با جنس مخالف در بین افراد نمونه

متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج		
میزان هوش اخلاقی	۰/۳۵۳-	۰/۰۰۰

فرضیه۲. به نظر می‌رسد میان جنسیت و میزان هوش اخلاقی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون Tمستقل استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول شماره ۴ مقدار آزمون ۲/۰۶- و سطح معناداری ۰/۱۴ است، بنابراین چون سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ شده است، رابطه معنادار نیست و فرضیه اثبات نمی شود.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگینها بین جنسیت و میزان هوش اخلاقی افراد نمونه

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدارT	سطح معناداری
دختران	۱۹۰	۳/۴۱	۰/۴۱۳	۲/۰۶-	۰/۱۴
پسران	۱۹۴	۳/۴۸	۰/۴۰۲		

فرضیه۳: به نظر می رسد بین مؤلفه‌های هوش اخلاقی و میزان نگرش به رابطه با جنس مخالف دانش آموزان رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول شماره ۵، در متغیرهای راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق و اهمیت دادن خودجوش به دیگران؛ نگرش به رابطه با جنس مخالف رابطه معنادار ندارد و در بقیه متغیرها رابطه معنادار است.

جدول۵. همبستگی میان مؤلفه های هوش اخلاقی و میزان نگرش به رابطه با جنس مخالف در بین افراد نمونه

مؤلفه های هوش اخلاقی	ضریب همبستگی	سطح معناداری
عمل کردن مبتنی بر اصول ارز شها و باورها	۰/۲۸۶-	۰/۰۰۴
راستگویی	۰/۱۲۷	۰/۲۰
استقامت و پافشاری برای حق	۰/۱۰۲	۰/۳۱

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

پایبندی به عهد	-۰/۲۰۰	۰/۰۴
مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی	-۰/۳۲۲	۰/۰۰
اقرار بر اشتباهها و شکستها	-۰/۲۹۰	۰/۰۰
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	-۰/۲۴۹	۰/۰۱
اهمیت دادن خود جوش به دیگران	-۰/۱۴۸	۰/۱۴
توانایی در بخشش اشتباهات خود	-۰/۳۰۵	۰/۰۰
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	-۰/۲۶۰	۰/۰۰

فرضیه۴: به نظر می‌رسد میان جنسیت و نگرش دانش آموزان به رابطه با جنس مخالف در قبل از ازدواج رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون Tمستقل استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول شماره ۶، مقدار آزمون ۴/۰۶- و سطح معناداری ۰/۰۰ است. بنابراین چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است رابطه معنادار و فرضیه اثبات می شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت میانگین نگرش به رابطه با جنس مخالف دانش آموزان دختر و پسر با هم متفاوت است، به طوری که نگرش دانش آموزان پسر بیشتر از دختران است.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگینها میان جنسیت و میزان نگرش به رابطه با جنس مخالف افراد نمونه

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدارT	سطح معناداری
دختران	۱۹۰	۲/۱۹	۰/۷۱۶	-۴/۰۶	۰/۰۰۰
پسران	۱۹۴	۲/۸۱	۰/۸۱۶		

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد میان جنسیت و مؤلفه‌های هوش اخلاقی تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون Tمستقل استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول شماره ۷، در متغیرهای عمل کردن مبتنی بر اصول و توانایی در بخشش اشتباهات دیگران تفاوت معنادار میان دختران و پسران وجود دارد و در دیگر متغیرها تفاوت معنادار میان دو گروه دیده نمی‌شود. در مؤلفه عمل کردن مبتنی بر اصول ارزشها و باورها، میانگین نمره دختران بیشتر از پسران شده و در مؤلفه توانایی در بخشش اشتباهات دیگران، میانگین نمره پسران بیشتر از دختران شده‌است.

جدول۷. آزمون تفاوت میانگینها بین جنسیت و مؤلفه‌های هوش اخلاقی

مؤلفه های هوش اخلاقی	میانگین دختران	میانگین پسران	Tمحاسبه شده	سطح معناداری
عمل کردن مبتنی بر اصول ارزشها و باورها	۱۴/۱۵	۱۳/۱۵	-۲/۵۲	۰/۰۱
راستگویی	۱۳/۷۵	۱۳/۷۶	-۰/۰۲۷	۰/۹۲
استقامت و پافشاری برای حق	۱۳/۲۸	۱۳/۲۷	۰/۰۲۰	۰/۹۳
پایبندی به عهد	۱۴/۱۲	۱۴/۵۲	-۰/۸۶	۰/۳۸
مسئولیت پذیری برای تصمیمات شخصی	۱۳/۷۱	۱۴/۴۱	-۱/۶۲	۰/۱۰

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

اقرار بر اشتباهها و شکستها	۱۳/۶۳	۱۴/۳۵	-۱/۵۹	۰/۱۱
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	۱۲/۴۴	۱۳/۴۹	-۱/۸۱	۰/۰۷
اهمیت دادن خود جوش به دیگران	۱۳/۵۷	۱۳/۵۸	-۰/۰۳	۰/۹۱
توانایی در بخشش اشتباههای خود	۱۳/۱۴	۱۳/۹۴	-۱/۶۷	۰/۰۹
توانایی در بخشش اشتباههای دیگران	۱۲/۸۵	۱۴/۰۷	-۲/۲۹	۰/۰۲

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی فرضیه‌های این پژوهش نتایج زیر به دست آمده است: میان هوش اخلاقی و نگرش به رابطه با جنس مخالف رابطه معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت با افزایش نمره هوش اخلاقی دانش آموزان نگرش آنها به رابطه با جنس مخالف منفی‌تر می‌شود و به عکس. چنانکه پیشتر بیان شد بسیاری از رفتارها و اقدامهای افراد، متأثر از ارزشهای اخلاقی است و ریشه در اخلاق دارد. بنابراین، عدم توجه به اخلاق در افراد و ضعف در رعایت اصول اخلاقی می‌تواند مشکلات بسیار ایجاد کند و مشروعیت و اقدامات آنها را زیر سؤال ببرد. به این ترتیب اگر افراد جامعه از هنجارها و ارزشها (اخلاقیات) تبعیت نکنند، رفتارشان برای جامعه مشکل آفرین خواهد بود و مسئله ای اجتماعی بروز خواهد کرد.

بسیاری از افراد "آموزش" می‌بینند، در حالی که اندکی از آنها "پرورش" می‌یابند؛ بسیاری از افراد درسها و نصایح اخلاقی را فرامی‌گیرند، در حالی که اندکی از آنها به منش اخلاقی و کردار معنوی دست می‌یابند؛ بسیاری از افراد مراحل رشد ذهنی را به سرعت طی می‌کنند، در حالی که اندکی از آنها موفق به پیمودن " مراحل رشد اخلاقی " می‌شوند؛ بسیاری از افراد مهارتهای حل مسئله را در مدرسه یاد می‌گیرند، در حالی که اندکی از آنها توان حل مشکلات خود را در زندگی می‌یابند، بنابراین برای آنکه میان این ابعاد رابطه معنادار برقرار شود باید " تحول اخلاقی" در فرد پرورش یابد و" پایگاه عاطفی قلب" به اندازه" پایگاه شناختی مغز" مورد توجه قرار گیرد و این مهم بدون پرورش رفتار و ارزشهای اخلاقی یا به عبارت بهتر "هوش اخلاقی" امکان پذیر نخواهد بود (لنیک و کیل، ۱۳۸۸).

بسیاری از رفتارها و تصمیمهای افراد، تحت تأثیر ارزشهای اخلاقی آنها قرار می‌گیرد. از آنجا که نیروی انسانی، چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی و در تعامل با دیگران، همچنان مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید، قضاوت افراد در مورد درستی یا نادرستی کارها بر کمیت و کیفیت عملکرد آنان و به تبع آن، عملکرد سازمان به شدت تأثیر می‌گذارد. از این رو توجه به اصول اخلاقی برای سازمانها، به ویژه سازمان آموزش پرورش ضرورتی اجتناب ناپذیر است. هرچند کمّی

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

کردن فواید برخورداری از هوش اخلاقی برای جوامع و سازمانها دشوار است، شواهد بسیاری وجود دارند که نشان می‌دهند برخورداری از هوش اخلاقی مطلوب نقش غیر قابل انکاری در موفقیت افراد و به طور کلی جوامع ایفا می‌کند. برخورداری افراد از هوش اخلاقی مطلوب می‌تواند موجب توجه به منافع ذی نفعان، افزایش تنوع طلبی و احترام به آن، کاهش هزینه های ناشی از کنترل، بهبود روابط، ارتقای تفاهم در محیطهای کاری و آموزشی، کاهش تعارضات، بهبود عملکرد گروهی و افزایش تعهد سازمانی و مشروعیت آن گردد. همچنین، برخورداری افراد از سطح خوب هوش اخلاقی، رفتارهای آنها را جهت می‌دهد و تعاملات آنها با جامعه اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این ویژگی در محیطهای آموزشی می‌تواند مزایای بسیار داشته باشد. به طور کلی، افراد اخلاق گرا دارای تعهد دراز مدت به ایده آلهای اخلاقی و ظرفیت مناسب برای یادگیری از دیگران هستند. آنها در پیگیری اهداف اخلاقی صدیق اند و موشکافانه عمل می‌کنند. همچنین، این‌گونه افراد دارای اشتیاق زیاد در به خطر انداختن منافع شخصی خود برای تحقق بخشیدن به اهداف اخلاقی هستند. بنابراین منافع ترکیبی برخورداری از هوش اخلاقی سبب می‌شود که افراد مؤثرتر عمل کنند. در پایان بیان این نکته ضروری است که هرچند سطح مطلوب هوش اخلاقی و ابعاد زیرمجموعه آن در جامعه پژوهش نشانگر وضعیت مطلوبی است، اما هوش اخلاقی نوعی توانایی اکتسابی و قابل توسعه است. بنابراین در آینده باید به حفظ سطح مطلوب فعلی و آموزش و حتی توسعه آن توجه کرد.

در مقایسه هوش اخلاقی دختران و پسران می‌توان گفت که این متغیر میان دختران و پسران تفاوت معنادار ندارد به طوری که می‌توان گفت میانگین نمره این دو متغیر در میان پسران و دختران مشابه است. این یافته با پژوهشهایی که شاه‌آباد و رضایی(۱۳۹۴)، امینی و همکاران(۱۳۹۴) و الهیاری(۱۳۹۱) انجام داده اند، همسو است.

در مقایسه نگرش به رابطه با جنس مخالف در میان دختران و پسران؛ میانگین نگرش به جنس مخالف دانش آموزان پسر بیشتر از دانش آموزان دختر بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت رفتار جنسی رفتاری اجتماعی محسوب می‌شود که در متن اجتماع و فرهنگ شکل می‌گیرد و انتظارات اجتماعی - فرهنگی بر آن تأثیر بسیار می‌گذارد و به سبب وجود حساسیتهای فرهنگی و باورهای قالبی که جامعه ایرانی برای دختران در مقایسه با پسران قائل است گرایش به جنس مخالف در دختران کمتر دیده می‌شود. در واقع، انتظار فرهنگی که از یک دختر در مقایسه با یک پسر در مورد رابطه با جنس مخالف می‌رود، بسیار سخت گیرانه‌تر است، جامعه بر رفتار و کردار و

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

سایر مسائل روزمره یک دختر حساس‌تر است و والدین و جامعه در مورد پسران در مقایسه با دختران نگرشی آزادانه و سهل گیرانه تری دارند. این یافته با نتیجه پژوهش بلیت، هیل و ثیل(۱۹۸۲) که نشان می دهد دوستی با جنس مخالف در دختران بیشتر از پسران است، ناهمسو بود که در تبیین این ناهمسویی می‌توان به تفاوتهای فرهنگی اشاره کرد (خانزاده، ۱۳۹۲). در جامعه ایرانی نگرش خانواده‌ها نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر در قبل از ازدواج منفی تر از نگرش فرزندان (دختر و پسر) نسبت به این گونه معاشرتهاست و در این میان نگرش دختران بسیار منفی‌تر از نگرش پسران است (موحد و عباسی شوازی، ۱۳۸۵؛ زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷؛ دل‌آور و احمدی،۱۳۹۱؛ زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۲).

پیشنهادها

۱. مسئولان آموزش وپرورش، باگنجاندن دروس مرتبط، برای ارتقای هوش اخلاقی دانش‌آموزان کوشش کنند.

۲. با بهره‌گیری از اساتید مجرب در مدارس، کارگاههای هوش اخلاقی برای دانش‌آموزان برگزار شود.

۳. برنامه‌های تربیت دینی در مدارس فرصتی مناسب برای ارتقای هوش اخلاقی دانش‌آموزان است، بنابراین با بهره‌گیری از محتوای فنی و کارشناسان مجرب می‌توان به ارتقای هوش اخلاقی دانش‌آموزان کمک کنند.

۴. جو و فضای مدرسه باید به گونه ای باشد که سبب تقویت هوش اخلاقی دانش‌آموزان شود.

۵. با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای مربیان، راهکارهای مناسب برای ارتقای هوش دانش آموزان و دادن بازخورد مناسب به رفتارهای آنان آموزش داده شود.

۶. با نوجوانان دربارهٔ پیامدهای دوستی با جنس مخالف و آسیبهای عاطفی- روانی ناشی از آن گفت و گو شود زیرا در اغلب موارد به تغییر نگرش آنها و تجدید نظر در ادامهٔ ارتباطشان می‌انجامد.

۷. همدلی کردن با نوجوانانی که قصد دارند رابطهٔ دوستی با جنس مخالف را ترک کنند و تشویق آنها، زیرا همدلی سبب می‌شود که این افراد عوارض عاطفی- روانی ناشی از قطع رابطه را سریع‌تر و آسان‌تر تحمل کنند. گذشته از این ترغیب نوجوانها به داشتن فعالیتهای جایگزین مانند برنامه‌های ورزشی، هنری و مطالعاتی نیز سودمند خواهد بود. دانش آموزان با پر کردن

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

اوقات فراغت، رشد معنویت در خود و با گنجاندن ورزش در برنامه‌های خود می توانند این مشکلات را به حداقل برسانند.

۸. راهنمایی والدین در زمینهٔ چگونگی رفتار با فرزندان به ویژه نوجوانان، درک عواطف و احساسات آنها و پرهیز از درگیریها و کشمکشهای خانوادگی، از طریق جلسات آموزش خانواده و یا نشستهای انفرادی، نقشی مهم در کاهش گرایشها و پیشگیری از ادامهٔ آنها در دوره بزرگسالی خواهد داشت.

۹. آموزش مهارتهای جرأت‌ورزی، مقاومت فرد را در برابر فشار گروه همسالان بهبود می‌بخشد. توجه به این آموزشها و کیفیت بخشی به روش اجرای آنها، از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه از بروز رفتارهای پرخطر شناخته می‌شود.

بی‌شک هر پژوهشی دارای محدودیتهای اجرایی و عملی است. این مطالعه نیز دارای محدودیتهایی بوده است. مثلاً عدم پاسخگویی صحیح دانش آموزان به سؤال داشتن یا نداشتن ارتباط با جنس مخالف، ضعیف بودن یا قابل دسترسی نبودن اطلاعات قابل استفاده و دستاوردهای جدید در این زمینه و امکان یافته‌های به دست آمده تحت سوگیری پاسخ‌دهنده‌ها می‌توان اشاره کرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

منابع

آراسته، حمیدرضا و جاهد، حسینعلی. (۱۳۹۰). *رعایت اخلاق در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی گزینه‌ای برای بهبود رفتار*. تهران: نشاء علم.

آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. *خانواده پژوهی*، ۷ (۲۸)، ۲۶-۴۶.

آلپورت، گوردن دبلیو و جونز، ادوارد ای. (۱۳۷۱). *روان شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون*، (ترجمه محمد تقی منش طوسی). مشهد: انتشارات آستان قدس.

اسماعیلی طرزی، زهرا؛ بهشتی فر، ملیکه و اسماعیلی طرزی، حمیده. (۱۳۹۲). رابطه هوش اخلاقی با میزان اعتمادآفرینی مدیران. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۸ (۱)، ۷۰-۸۴.

اکبری، عباس و حسین زاده، داوود. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه ابعاد مدیریت دانش با یادگیری سازمانی از منظر دبیران دبیرستان های شهرستان ساوه*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه.

الهیاری، الهه. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه هوش اخلاقی، شادکامی و رشته تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه اصفهان.

امامی، زهرا؛ مولوی، حسین و کلانتری، مهرداد. (۱۳۹۳). تحلیل مسیر اثرهوش معنوی و هوش اخلاقی برخودشکوفایی و رضایت از زندگی در سالمندان شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵(۲)، ۴-۱۳.

امینی، محمد؛ رحیمی، حمید؛ گودالی، هانیه و منتظر، مرجان. (۱۳۹۴). بررسی هوش اخلاقی پرستاران بیمارستان‌های شهر کاشان. *فصلنامه آموزش و اخلاق در پرستاری*، ۴ (۱)، ۵۹-۶۶.

بوربا، میکله. (۱۳۹۰). *پرورش هوش اخلاقی «هفت فضیلت اساسی که برای درست رفتار کردن، به فرزندان باید آموخت*، (ترجمه فیروزه کاوسی، ۲۰۰۵). تهران: انتشارات رشد.

بهرامی، محمدامین؛ اصمی، مریم؛ فاتح پناه، آزاده؛ دهقانی تفتی، عارفه و احمدی تهرانی، غلامرضا. (۱۳۹۱). سطح هوش اخلاقی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۵ (۶)، ۷۵-۸۸.

حامدی، رباب. (۱۳۹۱). بررسی تمایز یافتگی خود و کیفیت رابطه با جنس مخالف در دانشجویان مجرد. *مطالعات روانشناختی*، ۸ (۴)، ۵۷-۷۱.

خانزاده، عباسعلی؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، سیده زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا و عیسی‌پور، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد- فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان، *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۷(۲۸)، ۵۹-۷۴.

خواجه‌نوری، بیژن و دل‌آور، مریم سادات. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی شدن. *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۳ (۲)، ۴۱-۶۴.

خوانساری، مینا و سلیمانی، علی. (۱۳۹۰). مقایسهٔ هوش هیجانی دو گروه مجرد دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران. *اسلام و پژوهشهای تربیتی*، ۳ (۲)، ۱۴۵-۱۵۹.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

دل‌آور، مریم سادات و احمدی، حبیب. (۱۳۹۱). رابطه استفاده از فناوری ارتباطی و اطلاعاتی بر میزان ارتباط با جنس مخالف. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۹ (۲)، ۱-۲۴.

رجبلو، علی و اصغری، سارا. (۱۳۸۹). جهانی‌شدن و باز اندیشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران. *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۸ (۲۴)، ۷۳-۹۲.

زاده محمدی، علی و احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۷). هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران. *خانواده پژوهی*، ۴ (۱۳)، ۸۷-۱۰۰.

زارعی توپخانه، محمد؛ مرادیانی گیزه رود، خدیجه و گلزاری، محمود. (۱۳۹۴). بررسی تفاوت ویژگیهای شخصیتی و امید در میان دانش‌اموزان مرتبط و غیر مرتبط با جنس مخالف. *روانشناسی دین*، ۸ (۲)، ۵۱-۶۶.

سیدان، فریبا و نجفی‌نژاد، نرگس. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دختران نسبت به روابط با جنس مخالف. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۹(۱)، ۸۹-۱۱۸.

شاه‌آباد، گیوجودی و رضایی، اکبر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش اخلاقی مدیران با مدیریت خادمیت در مدارس شهرستان میاندوآب با تأکید بر جنسیت. *فصلنامه علمی- پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، ۷ (۲۸)، ۲۱-۳۸.

صادقی، اکرم؛ دهقانی اشکذری، محسن و کیانی، سیاوش. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه سبکهای دلبستگی و ابعاد دوست داشتن در نوجوانان دارای رابطه و فاقد رابطه با جنس مخالف. در *مجموعه مقالات اولین همایش ملی روانشناسی و خانواده*، سنندج، دانشگاه کردستان، ۲۳-۳۴.

فراهانی خلج آبادی، فریده و شجاعی، جواد. (۱۳۸۵). نگرش جوانان پیرامون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران. *دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*، تهران.

کیاکمال، بهمن. (۱۳۹۰). قصه و داستان درکتاب‌های درسی و کمک درسی آلمان. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*. شماره ۴۲، ۳۴-۵۸.

گلزاری، محمود. (۱۳۸۴). نگاهی به رابطه با جنس مخالف در ایران. دومین کنگره بین المللی روان درمانی در شرق و گفتگوی تمدنها. تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

گلمن، دانیل. (۱۳۸۰). *هوش هیجانی توانایی محبت کردن و محبت دیدن*، (ترجمه نسرین پارسا). تهران: رشد.

گودرزی، کوروش؛ جواهری زاده، ناصر؛ امیدی، معبود و عمرانی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین هوش اخلاقی و رضایت شغلی آموزگاران. کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.

لنیک، داگ و کیل پل فرد. (۱۳۸۸). *هوش اخلاقی*، (ترجمه علی محمد گودرزی). تهران: رسا.

مختاری پور، مرضیه و سیادت، علی. (۱۳۸۸). *رابطه بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیرآموزشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۳(۴)، ۹۷-۱۱۸.

موحد، مجید و عباسی شوازی. محمدتقی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزشهای سنتی و مدرن نسبت به روابط پیش از ازدواج. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات زنان*، ۴ (۱)، ۶۷-۹۹.

موسوی، سیدرضا. (۱۳۹۱). عوامل و زمینه‌های گسترش روابط دختران و پسران با رویکرد به عوامل شخصیتی. *معرفت*، ۲۱ (۱۷۶)، ۸۵-۹۸.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

میرباقری، محمد. (۱۳۸۴). *پژوهش ملی وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله استان تهران*. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.

یعقوب‌خوانی غیاثوند، مرضیه و فتحی اقدم، قربان. (۱۳۹۱). همبسته‌های شخصیتی دانشجویان قربانی سوءاستفاده عاطفی در ارتباط با جنس مخالف. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ۱۶ (۳)، ۶۱-۶۵.

Borba, M. (2001). *Building moral intelligence: The seven essential virtues that teach kids to do the right thing*. San Francisco: Jossey-Bass.

Clarken, R.H. (2010). *Moral intelligence in the schools*. Paper presented at the annual meeting of the Michigan Academy of Sciences, Arts and Letters, Wayne State University, Detroit, MI, March 20, 2009.

Lennick, D., & Kiel, F. (2005). *Moral intelligence: Enhancing business performance and leadership success.* Upper Saddle River, NJ: Wharton School Publishing.

Norcia, V.D. (2010). Moral intelligence and the social brain. *Ethics on the Brain*, *3*(2), 1-23.

Osborn, T.N. (2011). Moral intelligence. *Team International*. Available at www.teaminternational.net

Rahimi, G. R. (2011). The implication of moral intelligence and effectiveness in organization; Are they interrelated? *International Journal of Marketing and Technology*, *1*(4), 62-76.

Turner, N., Barling, J., Epitropaki, O., Butcher, V. & Milner, C. (2002). Transformational leadership and moral reasoning. *Journal of Applied Psychology*, *87*(2), 304-311.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.4.2]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]